

بررسی شیوه اقتباس با رویکرد به آثار تصویرسازی

*
معصومه اعتبارزاده

چکیده: برداشت کردن از ظرفیت‌های موجود در آثاری که برای اکثریت خاص و عام آشنا، شاخص و ماندگار می‌باشند، فرصت و امکان خلق ایده‌های جدید را فراهم می‌آورد. تأثیرگیری از آثار دیگران یا مراجع گوناگون با بهره‌گیری از ابزارهای بازنگری، تشابه‌یابی و اعمال تغییرات برای خلق اثری دیگر، با عنوان شیوه اقتباس تعریف می‌گردد. اقتباس مناسبات متقابلی با هنرهای بصری دارد. هنرمندان می‌توانند از این شیوه با تکیه بر وجوه اساسی آثار برجای مانده، مفاهیم تازه‌ای خلق نمایند. در رشته هنری تصویرسازی شیوه اقتباس جهت فراهم سازی یک بستر مناسب برای درک و شفاف‌سازی مضامین و ایده‌های تصویری و امکانی برای انتقال پیام‌های گوناگون از طریق داده‌ای ثبت شده در ذهن مخاطبین، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقاله پیش رو به‌رمندی از این شیوه جهت خلق و تدوین آثار هنری، در دو روش بینامتنیت و بیش‌متنیت تعریف و توضیح داده خواهد شد؛ و سود جستن از شیوه اقتباس، کشف و بازشناسی درون‌مایه و استعداد‌های نهفته در مراجع هنری و ادبی با مقایسه و تطابق دادن دو اثر متشابه نسبت به هم، با هدف بسترسازی جهت خلق آثاری جدید مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مطالعه و بررسی این مقاله از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان با استفاده از شیوه اقتباس، یک تصویرسازی مستقل، منسجم و یکپارچه را سازماندهی کرد؛ به گونه‌ای که عمل پردازش دوباره آن با شیوه بیان بصری مورد نظر تصویرگر، هم راستا باشد.

واژگان کلیدی: تصویرسازی، اقتباس، بینامتنیت، بیش‌متنیت

◆ مقدمه

این برداشت‌های تصویری می‌تواند به تولید تخیلات تازه و همچنین تقویت اطلاعات عمومی و بصری مخاطبین، بسیار کمک نماید. تصویرگران با خوانش صحیح درونمایه و پتانسیل آثار دیگران، می‌توانند تأثیرات و دریافت‌های خویش را به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در اثری تازه و مستقل اعمال و تثبیت کنند. در مقاله پیش رو این سوال مطرح می‌گردد که چگونه می‌توان از ابزارهای بیان بصری در خلق آثار جدید به شیوه اقتباس بهره گرفت؟ این پژوهش با رویکرد به کارکرد عملی اقتباس در تصویرسازی، برای دستیابی به پاسخ این پرسش اهتمام می‌ورزد. شیوه اقتباس در متون ادبی، هنرهای نمایشی و سینما به دفعات متعدد مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما پرداخت به این موضوع در حوزه هنرهای تجسمی خاصه در تصویرسازی به ندرت اتفاق افتاده است. در روش تحقیق این پژوهش با بهره‌گیری از شیوه‌های کتابخانه‌ای و میدانی به مقایسه کردن و تطبیق دادن عناصر بصری دو تصویر متشابه پرداخت خواهد شد و بدین صورت شیوه‌های برداشت کردن در آثار اقتباسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شیوه اقتباس از یک منبع، دستمایه و یا الگوهای ثبت شده توسط دیگران، برای ایجاد محتوایی تازه و یا جهت تقویت مضامین مختلف صورت می‌پذیرد. دگردیسی و اعمال تغییرات هدفمند در آثار مرجع می‌تواند براساس گزینش عناصر، فرم و یا محتوای یک اثر شاخص شکل گیرد. تصویرگران می‌توانند از شیوه اقتباس کردن برای تأثیر گذاری هرچه بیشتر روایات بصری آثار خویش بر مخاطبین سود جویند و در این فرآیند با در نظر داشتن رابطه صحیح و متناسب عناصر بصری نسبت به هم و نسبت به کل فضا، اقدام به خلق و تدوین یک اثر جدید بنمایند. در این بین صحیح است که در تفکیک عناصر ساختاری از جزئی دقت لازم به عمل آید و گسترش، تعریف، تغییر، حذف، پردازش و گزینش بخش‌های از منبع مورد اقتباس قرار گیرد که هم راستای مضمون اثر تصویرگر باشد.

اقتباس از آثار دیگران می‌تواند برای مخاطبین بسیار سرگرم کننده و مسرت بخش باشد؛ زیرا مخاطبین تصاویر اقتباسی بر اساس پیش زمینه‌های ذهنی خویش، تصاویر آشنا و مشترکات بصری را تشخیص و تحلیل می‌نمایند.

* کارشناس ارشد تصویرسازی. m.etebarzadeh@yahoo.com

◆ درآمدی بر شیوه اقتباس کردن در تصویرسازی

معنی واژه اقتباس^۱ در کتاب « فنون بلاغت و صناعات ادبی » با این تعریف توضیح داده می‌شود که «در اصل لغت به معنی پرتو نور و فروغ گرفتن است، چنان‌که پاره‌یی از آتش را بگیرند و با آتش دیگر برافروزند، یا از شعله چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند، و به این مناسبت، فراگرفتن علم و هنر، و ادب آموختن یکی را از دیگری اقتباس می‌گویند.» (همایی، ۱۳۷۱، ۳۸۳)

همچنین معنی اقتباس کردن در لغت نامه دهخدا به این شرح آمده است که:

«از کسی فایده و دانش گرفتن و پیروی او در دانش و علم کردن.»

اقتباس می‌تواند مبتنی بر آثار، نشانه‌ها، مستندات تاریخی، سمبل‌های فرهنگ، افسانه‌ها و یا مشترکاتی باشد که به نحوی در خاطر و حافظه مردم نهادینه شده‌اند. اقتباس از مراجع و منابع در حوزه‌های مختلف می‌تواند محرک الهام بخشی در برانگیختن قوای تخیل باشد. فعالان حوزه‌های مختلفی چون هنرهای تجسمی، موسیقی، نشر، ادبیات، سینما و... می‌توانند با توجه و رویکرد به آثار موجود، از این امکان جهت دستیابی به ایده‌های بدیع و پرمایه بهره‌گیری نمایند.

اصطلاح بینامتنی و مباحث مربوط به آن پیشتر در حوزه متون ادبی مطرح شده است، این اصطلاح به نحوه‌ی به تأثیرپذیری از آثار دیگران و به شیوه اقتباس مرتبط می‌باشد. ژولیا کریستوا نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ اصطلاح بینامتنیت^۲ را برای هر نوع ارتباط میان متن‌های گوناگون مطرح کرد. پس از آن ژرار ژنت با گسترش دامنه مطالعاتی کریستوا هر نوع رابطه میان یک متن با متن‌های دیگر یا غیر خود را با واژه جدید ترامنتیت^۳ نام‌گذاری نمود... (نامورمطلق، ۱۳۸۶، ۸۳)

ژنت همچنین با تقسیم بندی ترامنتیت به چند دسته مجزا، توضیح می‌دهد که اصطلاحات بینامتنیت و بیش‌متنیت^۴ به رابطه میان دو متن هنری می‌پردازد و سایر اقسام ترامنتیت به رابطه میان یک متن و شبه متن‌های مرتبط با آن توجه دارد. (نامورمطلق، ۱۳۸۶، ۸۳)

با توجه به این توضیحات می‌توان گفت که دو شیوه بینامتنیت و بیش‌متنیت که در مباحث هنری نیز کاربردی می‌باشند، به عمل اقتباس از عناصر، مضامین و محتوای متون گذشته یا آثار دیگران، جهت تعمیم در اثری دیگر می‌پردازند؛ در این پژوهش این دو شیوه را به حوزه هنری های تجسمی وارد می‌نماییم^۵ و در ادامه توضیحات بیشتر همراه با مثال‌های تصویری ارائه خواهیم کرد. توجه به تعامل میان متن و اثر تصویری موضوع بسیار حائز اهمیتی در حوزه رشته تصویرسازی محسوب می‌گردد. هنرمندان

تصویرگر با شرح روایات از طریق ابزارهای بیان بصری، شیوه‌های گوناگون سبکی و تکنیکی و با رعایت شرایط سنی و ویژگی‌های اجتماعی مخاطبین، اقدام به تفسیر متن و یا روایات می‌نمایند. آثار تصویرسازی به عنوان رسانه‌های ارتباطی، که معمولاً به صورت نوشتاری-بصری عرضه می‌گردند، با تعامل دو مقوله موضوع و تصویر با مخاطبین در ارتباط می‌باشند. بنابراین متن و تصویر در شیوه اقتباس -که می‌تواند هم در محتوا و هم در عناصر بصری جلوه‌گر شود- مکمل یکدیگر می‌گردند و بستری برای کاوشگری ذهن، شفاف‌سازی مفاهیم در قالب ایده‌های جدید، در جهت انتقال صحیح پیام‌های گوناگون به مخاطبین را فراهم می‌آورند.

جستجوی و تفحص در آثار مختلف، موجب تقویت و شکوفایی قوای ذهنی و یافتن وجوه مشابه در بین منابع و عناصر همگون و ناهمگون و شکل‌گیری و تبلور ایده‌های تازه می‌گردد؛ بنابراین این امور با جعل، کپی‌برداری و سوءاستفاده از ایده‌های دیگران در تناقض می‌باشد. در اینباره دکتری اکس اس اسبورن^۶ با ارزش‌گذاری بر شیوه اقتباس، بهره‌گیری از آن را در تولید ایده‌های نو بسیار حائز اهمیت می‌داند بدون تردید قانونا و اخلاقاً دستبرد زدن به خلاقیت‌های دیگران صحیح نیست. لیکن پیشی گرفتن از آنچه دیگری تدبیر نموده، قانونی است. دادن مجوز قانونی به این امر سیاست عمومی صحیحی است زیرا بدون اتخاذ چنین سیاستی ایده‌های بسیار کمتری برای منافع عمومی وجود خواهد داشت. (اسبورن، ۱۳۸۲، ۱۳۲)

یکی از نکته‌های قابل توجه در شیوه اقتباس این موضوع است که تصویرگر باید جوهره و درون مایه آثار و منابع را کاملاً مورد بررسی قرار دهد. شناخت تصویرگر از محتوا و وجوه ساختاری دستمایه‌های مرجع بسیار قابل اهمیت می‌باشد. ضرورت این اهتمام برای دستیابی به ارجاعات هدفمند است؛ یعنی عمل اقتباس کردن از منبع مرجع نه صرفاً اصالت‌گرا و نه کاملاً نامشخص و گنگ باشد. از مواردی که تصویرگران از شیوه اقتباس در خلق آثار خویش به صورت سازنده بهره گرفته‌اند، می‌توان به تعدادی از مهمترین آنها اشاره کرد:

◆ تغییر قسمتی و یا بخشی مهمی از یک دستمایه

و بهره‌گیری از آن در اثری دیگر

اقتباس از عناصر تجسمی و مشترکات بصری منابع مختلف، جهت تدوین در اثری دیگر، می‌تواند به صورت مستقیم صورت بگیرد؛ یعنی با حضور مشخص نشانه‌ها بصری به صورت بینامتنی. بینامتنی بودن تصاویر برای عبور



■ تصویر ۲: اثر: لفجیتلن یونکوویچ، از کتاب کتابی بزرگ از پرتره‌های کلاسیک حیوانی (www.liveinternet.ru)

◆ بهره‌گیری از ویژگی تشبیه برای اشاره به منابع و مراجع پیشین

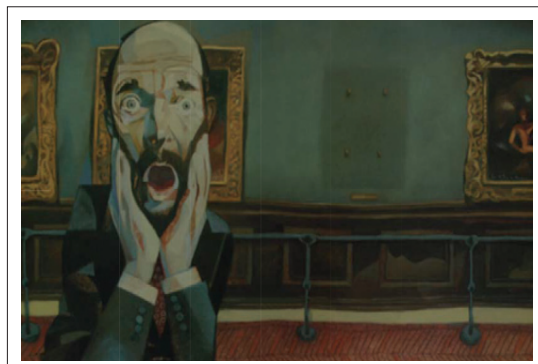
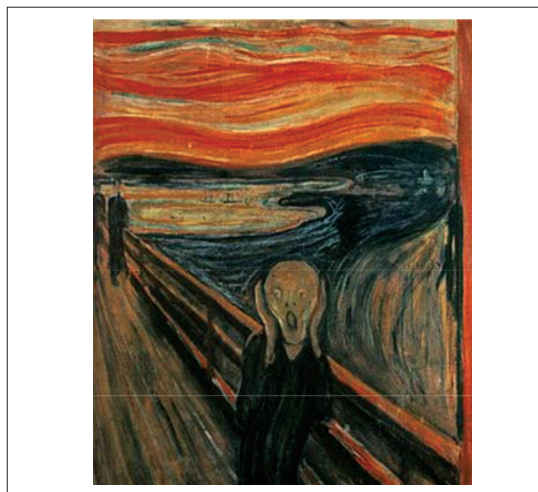
در این مورد تصویرگر با ارتباط دادن و تشبیه کردن ویژگی‌های بصری یک تصویر یا یک اثر هنری به اثر تصویری خود، از طریق اشارات بصری، اقدام به بهره‌گیری از شیوه اقتباس می‌نماید. به عبارت دیگر تصویرگر اقدام به متشابه‌سازی عناصر بصری تصویر خود با یک منبع دیگر می‌نماید. در آثار گری کلی^{۱۱} هنرمند سرشناس آمریکایی بهره‌گیری از شیوه اقتباس بسیار دیده می‌شود. کلی علاقه خود را به شخصیت‌های مشهور- نقاشان، نویسندگان، خوانندگان و افراد سرشناس دیگر- با کشیدن پرتره آنها نشان می‌دهد. تصویری از چهره پیکاسو، ون گوگ، دگا و بونار نقاش، ژان کوکتوی نویسنده... و گاهی ارادت خود را به آنها با نام‌گذاری عنوان اثرش ثابت می‌کند: "پیک نیک با کوریه"، "بونار در پاییز" و "لبخند دزدیده شده"^{۱۲} (اشاره به لبخند ژکوند). در برخی از آثارش نیز با تصویری برگرفته از آثار نقاشان مشهور و آوردن آن در اثرش، طنزی ظریف به وجود می‌آورد. (شاهوردی شهرکی، ۱۳۸۹، ۱۸) تصویر ۴ مربوط به کتاب لبخند دزدیده شده می‌باشند این کتاب دارای اقتباسات هوشمندانه‌ای از آثار هنرمندان شهیر می‌باشد. کلی در این اثر عکس‌العمل نگهبان موزه، پس از آنکه متوجه سرقت یک تابلو (تابلوی منالیزا) از روی دیوار می‌شود را به تابلوی جیغ^{۱۳} اثر ادوارد مونک^{۱۴} تعمیم داد است. (تصویر ۳) تصویرگر در این بازآفرینی، علاوه بر اشارات بصری به اثر مرجع، دگرگون‌سازی مفاهیم و ایجاد نوعی طنز، توانسته است عناصر و شکل‌های موجود در اثر منبع را نیز متناسب با شیوه بیان بصری خود تغییر دهد. پیروی از سبک‌های هنری همچون امپرسیونیسم و یا کوبیسم در آثار کلی در واقع یک رابطه بینامتنی است که تصویرگر آنها را دستمایه آثار خویش قرار می‌دهد.

دادن انبوه مضامین و سفارشات امروزه، یکی از روش‌هایی است که گرافیکست می‌کوشد، با آن، نظم درونی عناصر ناهمگون خود را سامان دهد. (پرویزی، ۱۳۸۲، ۹) تصویرگران می‌توانند با نگاه و رویکردی متفاوت و بهره‌گیری از روابط بینامتنی و شاخصه‌های مختلف بصری و تفکیک، نظم بخشیدن و ارائه تعاریف متفاوت از این عناصر آشنا، اقدام به بازبینی این آثار نمایند. در این گستره تصویرگر با تغییر بخش مهم از اثر اصلی روایتگر داستانی تازه و متفاوت خواهد شد. تغییرات اعمال شده در اثر تازه تصویرگر اگر چه برای مخاطبین شناخته شده می‌باشد، لیکن این معماهای تصویری می‌تواند برای آنها بسیار جذاب و چالش برانگیز باشد. برای نمونه به دو تصویر او ۲ توجه نمایید. تصویر ۱، تابلوی معروف یوهانس فرمیر^۷ هنرمند برجسته هلندی را با عنوان «دختری با گوشواره مروارید»^۸ که مربوط به قرن هفدهم می‌باشد را نشان می‌دهد؛ این تابلو در تصویر ۲، توسط هنرمند توانای کرواسی، لفجیتلن یونکوویچ^۹ مورد اقتباس قرار گرفته است. این اثر در کتابی با عنوان «کتابی بزرگ از پرتره‌های کلاسیک حیوانی»^{۱۰} به چاپ رسیده است. این کتاب مجموعه‌ای از تصاویر حیوانات مختلف را در قالب فیگورهای انسانی با برگرفتن از تابلوهای شناخته شده و مطرح هنرمندان صاحب نام جهان به نمایش گذاشته است. یونکوویچ با نگاهی مفهومی و طنز، ذهن مخاطب را متحیر و به تناقض می‌کشد. ذهن مخاطب با نگاه کردن به این تصویر در جستجو و کنکاش جهت به یاد آوردن ویژگی‌ها و قالب اصلی اثر، زمانی تأمل برانگیزی را سپری می‌نماید. این کتاب جامعه‌ای از حیوانات انسان نما را نشان می‌دهد که چهره‌های غیر مرسوم شان در قالبی نو، زیبایی و جاودانگی کمال طلبانه انسان را در تابلوهای عصر رنسانس و دوران کلاسیک به چالش می‌کشد و با این هدف مفاهیم متفاوتی را خلق می‌نماید.



■ تصویر ۱: اثر: یوهانس فرمیر، دختری با گوشواره مروارید (www.grahamdragon.co.uk)

کتاب‌های براون مملو از اشارات هوشمندانه به هنر کلاسیک، مدرن و فرهنگ عامیانه هستند. این جزئیات ظریف و نامحسوس که به نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، کتاب‌های مشهور، تیپ‌ها و موقعیت‌های افسانه‌های عامیانه، شخصیت‌های معروف جامعه، شخصیت‌های کتاب‌های خود نویسنده و حتی تجربه‌های زندگی شخصی او اشاره دارند، به طور غیرمستقیم به آشنایی و درک عمیق‌تر خواننده از شخصیت‌های کتاب و در نهایت خود او می‌انجامند. (محلوجی، ۱۳۸۸: ۱۸۰) براون با شناخت صحیحی که از مبانی و روابط عناصر بصری نسبت به یکدیگر و تعاریف زیباشناسی دارد، از مؤلفه‌های استعاره و اقتباس جهت سامان‌دهی به مضامین آثار خویش مایه می‌گیرد. براون در تصویر شماره ۶ که مربوط به کتاب ویلی خیال پرداز ۱۶ است، شخصیت اصلی داستان خویش را در موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوتی از آثار شهیر هنری و ادبی قرار می‌دهد. در این کتاب شخصیت ویلی که یک میمون است در صحنه‌ای که ملهم از داستان آلیس در سرزمین عجایب، نوشته لوئیس کارول ۱۷ می‌باشد قرار گرفته است. براون در یک فرآیند بازآفرینی، از محتوا و شخصیت‌های این داستان اقتباس و بهره گرفته است. در تصویر ۶ عبارت «hat this is not a» به معنی این یک کلاه نیست، اقتباسی از اثر معروف رنه ماگريت ۱۸ به نام این یک پیپ نیست و یا خیانت تصویر ۱۹ می‌باشد. (تصویر ۵) این اشاره نوشتاری برداشت و اقتباسی از نام و محتوای این اثر ماگريت است.



تصویر ۴: اثر گری کلی، از کتاب لبخند دزدیده شده. (www.garykelleyonline.com)

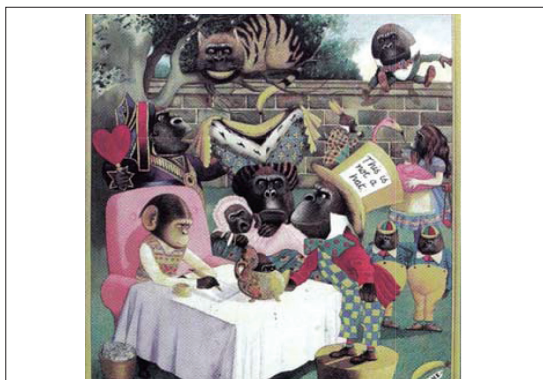
محمد پرویزی در مقاله بینامتنیت در اینبار، سبک امپرسیونیسم را مثال می‌زند و توضیح می‌دهد که هر اثری که بتواند به دور از حضور عناصر دیگر بر هارمونی رنگ‌ها استوار باشد، خواسته و ناخواسته گونه‌های روابط بینامتنی با آثار امپرسیون می‌یابد. (پرویزی، ۱۳۸۲: ۱۱) آثار هنری و تصاویر همواره در ژانرها و سبک‌های متعدد و با مضامین گوناگونی خلق شده‌اند؛ تصویرگران می‌توانند این سبک‌های متفاوت را اتخاذ و هوشمندانه با فضای آثار خویش تطبیق نمایند و یا با بهره‌گیری از روش اقتباس و کنار هم قراردادن تصاویر مربوط به آثار دیگران به شیوه کلاژ و یا چیدمان، به آثار مرجع اشارات بصری داشته باشند.

♦ اقتباس از محتوا و مضامین منابع مرجع

تصویرگر می‌تواند در شیوه اقتباس از یک منبع خاص با حفظ درونمایه و محتوای اثر مرجع، رویکردی بدیع را در فرم‌ها و عناصر تصویری خود ایجاد نماید. اگر بخواهیم به تعدادی از موفق‌ترین تصویرگرانی که از شیوه اقتباس در خلق آثار خویش بسیار هدفمند بهره گرفته‌اند، اشاره نماییم، بی‌شک نام آنتونی براون ۱۵ تصویرگر و نویسنده صاحب نام انگلیسی در این دسته جای خواهد گرفت.



تصویر ۵: اثر: رنه ماگريت، این یک پیپ نیست (خیانت تصویر) (www.fa.wikipedia.org)



تصویر ۶: اثر: آنتونی براون، ویلی خیال پرداز. (محلوجی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)



تصویر ۸ اثر: علیرضا گلدوزیان، از کتاب ترس مادر (www.sognandoimmagini.it)

◆ الهام گرفتن از آثار مرجع و بهره‌گیری از آنها در اثری دیگر

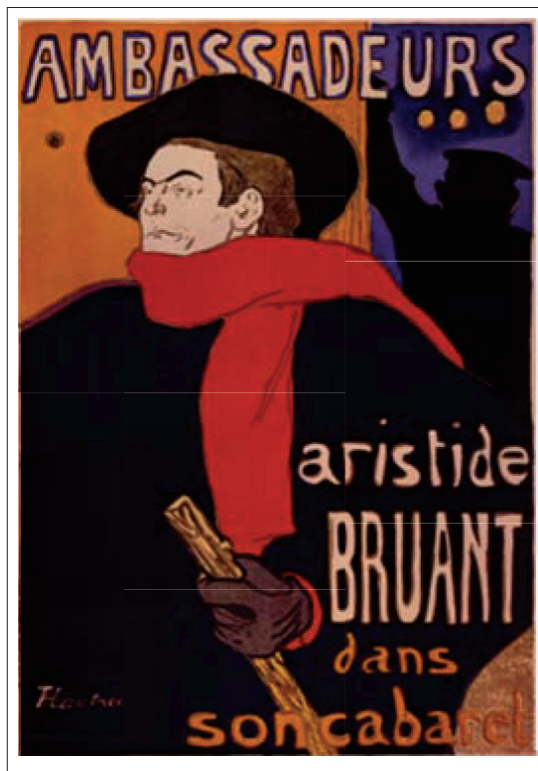
اثر پذیری، برداشت‌کردن و الهام‌گرفتن از آثار و منابع گوناگون به اصطلاح بیش‌متنیت مرتبط می‌باشد زیرا بیش‌متنیت براساس برگرفتنی استوار شده است. (نامورمطلق، ۱۳۸۶، ۹۵) در این شیوه تصویرگر از مضامین و عناصر بصری موجود در مراجع، متناسب با شیوه بیان تصویری خود، بهره‌گیری و برداشت می‌نماید. مبنای بیش‌متنیت، مطالعه متن‌های جدید است که بر مبنای متن‌های دیگر شکل می‌گیرند و ایجاد می‌شوند. به این ترتیب، این‌گونه مطالعات براساس رابطه تقلیدی و یا برگرفتنی و الهام استوار شده است و موجب می‌گردد که متن پسین به نحوی هدمندانه از متن (یا متن‌های) پیشین ملهم و مشتق شود. (کنگرانی، ۱۳۸۱، ۲۰) الهام‌گرفتن از منابع گوناگون می‌تواند بر اساس مضامین و محتوای آثار هنری و یا ادبی، روایات عامه، موضوعات سیاسی و اجتماعی، وقایع تاریخی و... صورت گیرد. در این صورت مینا و اصل موضوع تغییر نمی‌یابد. در کتاب دستورالعمل‌های فیل آبی برای ایده‌یابی این تعریف به عنوان بازانگاری به کار رفته است: «هنگامی که در اقتباس، دورنمایه و محتوا تغییر نکند بازانگاری سبکی و شکلی قادر است شکل جدیدی از همان دورنمایه و محتوا را به نمایش بگذارد.» (نیرومند، ۱۳۹۱، ۸۶) برای نمونه رویکرد متفاوت سبکی و تکنیکی را در مقایسه دو تصویر ۹ و ۱۰ به ترتیب آثار یان وان ایک ۲۱ و فرناندو بوترو ۲۲ به طور کاملاً واضح می‌توان مشاهده کرد.

بوترو در این تصویر با الهام گرفتن از اثر وان ایک به نام پرتزه ی آرنولفینی^{۲۳}، توانسته است آن را مغرضانه به شیوه بیان بصری خاص خویش دگرگون و دفرمه‌سازی نماید.

◆ تعمیم‌دادن ویژگی‌های بصری آثار دیگران در یک قالب دیگر

در تصویرسازی، تصویرگر متناسب با موضوع داستان خود، اقدام به فضاسازی و شخصیت‌پردازی می‌نماید؛ در این راستا تصویرگر در هنگام تولید آثار خویش می‌تواند از آثار هنری پیشین و یا آیتم‌های بصری که در حافظه بصری مخاطبینش نقش بسته‌اند و یا حتی ممکن است در آینده با آنها (به طور مثال در موزه‌ها و رسانه‌های اطلاعاتی) روبرو گردد، بهره‌گیری. بدین‌صورت تصویرگر این عناصر را متناسب با فضای داستان و متن خود دگرگون، و علاوه بر پرداختنی مفهوم گرا، ساختاری باور پذیر از یک محیط تازه را ارائه می‌نماید.

تصویر ۸ اثر علیرضا گلدوزیان برگزیده جوایز بین‌المللی متعدد از جمله برتیسلاوا و بلگراد می‌باشد. در این تصویر با توجه به ظرفیت‌های موجود در متن، فضا و محیط داستان متناسب با ویژگی‌های شخصیت‌های قصه تغییر یافته‌اند؛ بدین‌صورت که تابلوی پوستر معروف تولوز لوترک^{۲۰} که در تصویر ۷ دیده می‌شود، به چهره‌گرگ تعمیم داده شده است. این تصویر مربوط به کتاب ترس مادر است که به ماجراهای بعد از داستان معروف کتاب بزبندقندی از نگاهی دیگری می‌پردازد. در این کتاب به شیوه دیگری از روش اقتباس نیز می‌توان اشاره کرد، که مربوط به اقتباس از آثار ادبی توسط نویسنده می‌باشد.



تصویر ۷ اثر: تولوز لوترک، پوستر. (www.toulouselautrecprints.org)

هنری و فرهنگی جوامع ایفا نمایند.

لازمه دستیابی به برداشت های موفق در عمل اقتباس، شناخت و درک صحیح درونمایه اثر مرجع، تحلیل و گزینش مناسب عناصر بصری برای تعبیه کردن در اثری دیگر می باشد. اگر ساختار و بیان بصری یک اثر اقتباسی آگاهانه و با رویکرد به مبانی زیباشناسی صورت گیرد؛ تصویر حاصل شده اگرچه با منبع مرجع در ارتباط خواهد بود، لیکن برآیند آن در خدمت معانی، مضامین، متن و روایت مورد نظر تصویرگر قرار خواهد گرفت. این توضیحات مشخص می کند که اثر اقتباسی مستقل محسوب می گردد و این گریز جهت دار که به شکل گیری یک اثر دیگر می انجامد، با عمل جعل و کپی برداری غیر قانونی منافات دارد.

◆ پی نوشت

- ۱- اقتباس معادل واژه انگلیسی Adaptation به کار می رود.
- 2-Intertextualite
- 3-Transtextualite
- 4-Hypertextualite
- ۵- تعمیم دادن دو اصطلاح بیش متنیت و بینامتنیت به حوزه و مباحث هنری (با توجه با این موضوع که اغلب در حوزه ادبیات مورد بررسی قرار می گیرند)، پیشتر توسط پژوهشگرانی به کار گرفته شده است؛ از جمله خانم منیژه کنگرانی در مقاله های "بینامتنیت در هنر ایرانی، بانگاهی به نقاشی دوره صفوی" و "فرایند بیش متنیت در نقاشی".
- ۶- دکتر الکس اس اکسبورن Alexander faickney Osborn ، مبدع روش یورش فکری یا طوفان فکری
- 7-Johannes Vermeer
- 8-Girl with a Pearl Earring
- 9-Svjetlan Junakovic
- 10-Das große Buch der klassischen Tierporträts
- 11- Gary Kelley
- 12- The Stolen Smile
- 13-The Scream
- 14-Edvard Munch
- 15-Anthony Browne
- 16-Willy the dreamer
- 17-Lewis Carroll
- 18-René Magritte
- 19-The Treachery of Images
- 20-Henri de Toulouse Lautrec
- 21-Jan van Eyck



تصویر ۹: اثر: یان وان آیک، پرتزه ی آرنولفینی. (www.fa.wikipedia.org)



تصویر ۱۰: اثر: فرناندو بوتو، پرتزه ی آرنولفینی. (www.search.it.online.fr)

این اثر وان آیک از جمله مراجع هنری می باشد که می تواند جریان ساز ایده های تازه گردد. اثر حاضر اگر چه تک فریم می باشد لیکن ویژگی های روایی و بیانی منحصر به فردی دارد. لازم به توضیح است که دوباره سازی و انطباق یک اثر به صورت عین به عین یعنی کاملاً مطابق با اثر اصلی، نوعی کپی برداری یا تقلید محض تلقی می گردد و این تعریف با برداشت کردن و الهام گرفتن به منظور بینش و بیانی متفاوت و نو، متضاد می باشد.

◆ نتیجه گیری

عمل اقتباس، برداشت و بهره گیری از ظرفیت های موجود در منابع و مراجع هنری، ادبی، خبری و... امکان سیالیت ذهن در جهت تولید و خلق آثار تازه و عینیت بخشیدن به ایده های متفاوت را ایجاد می نماید. برداشت ها و ارجاعات هدفمند به آثار دیگران می تواند در جهت تقویت فرهنگ بصری مخاطبین به کار برده می شود؛ بنابراین اقتباس شیوه ای است که تصویرگران می تواند با وامگیری از آن، نقش موثری در بازشناسی میراث های

- دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، ۸۳-۹۸، ۱۳۸۶.
- ۷- نیرومند، محمد حسین، دستورالعمل‌های فیل آبی برای ایده‌یابی، فرهنگسرای میر دشتی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۱.
- ۸- همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، ج ۲، تهران، ۱۳۷۱.

◆ فهرست منابع تصویری

- تصویر ۱: www.grahamdragon.co.uk/verear.htm
- تصویر ۲:
- تصویر ۳: www.liveinternet.ru/community/1726655/post88481577
- تصویر ۴: www.fa.wikipedia.org
- تصویر ۵: www.garykelleyonline.com/book/book2.htm
- تصویر ۶: www.fa.wikipedia.org
- تصویر ۷: www.toulouselautreprints.org
- تصویر ۸: www.sognandoimmagini.it
- تصویر ۹: www.fa.wikipedia.org
- تصویر ۱۰: www.search.it.online.fr/covers/?m=1434

- 22-Fernando Botero
- 23-Arnolfini Portrait

◆ فهرست منابع

- ۱- اسپورن، الکس اس، پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، ترجمه: دکتر حسن قاسم زاده، انتشارات نیلوفر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲- پرویزی، محمد، «بینامتنیت (هنرهای تجسمی و اندیشه انتقادی معاصر (۱) کارکرد شماری از اصطلاحات مرکزی اندیشه انتقادی معاصر در تحلیل و نقد آثار تجسمی»، تندیس، شماره ۱۵، ۸-۱۱، ۱۳۸۲.
- ۳- شاهوردی شهرکی، صدیقه، «گری کلی؛ تصویرگر روز مره زندگی انسان‌ها- نگاهی به تصویرسازی های گری کلی»، تندیس، شماره ۱۹۴، ۱۸-۱۹، ۱۳۸۹.
- ۴- کنگرانی، منیژه، «فرایند پیش‌متنیت در نقاشی»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره چهار، ۱۹-۳۴، ۱۳۸۸.
- ۵- مهلوجی، شعله (ترجمه و تدوین)، «نگاهی بر زندگی و آثار آنتونی بروان»، حرفه هنرمند، شماره ۳۰، فصلنامه، ۱۳۸۸.
- ۶- نامور مطلق، بهمن، «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با